

Appendix - Intergenerational Communication and Optimism toward Aging scales

| | | |
|--|--|---|
| Intergenerational accommodation communication | تعاملات سازشانه بین نسلی | |
| Young people are generally helpful to me and people my age | به طور کلی، افراد جوانتر کمک من و همسن و سالهایم هستند. | 1 |
| Young people are supportive of me and people my age | افراد جوانتر پشتیبان من و همسن و سالهایم هستند. | 2 |
| Young people have kind words for me and people my age | افراد جوانتر به من و همسن و سالهایم کلمات محبت آمیزی می گویند. | 3 |
| Young people are considerate to me and people my age | افراد جوانتر هوای من و همسن و سالهای مرا دارند. | 4 |
| Young people compliment me and people my age | افراد جوانتر از من و همسن و سالهایم تعریف و تمجید می کنند. | 5 |
| Young people give useful advice to me and people my age | افراد جوانتر توصیه های مفیدی به من و همسن و سالهایم می کنند. | 6 |
| Intergenerational non-accommodation Communication | تعاملات ناسازشانه بین نسلی | |
| young people order me and people my age around. | افراد جوانتر به من و همسن و سالهایم دستور می دهند. | 1 |
| Young people act superior to me and those of my age. | افراد جوانتر با من و همسن و سالهایم طوری رفتار می کنند که انگار مافوق ما هستند. | 2 |
| Young people speak as if they are better than me and people my age | افراد جوانتر با من و همسن و سالهایم طوری صحبت می کنند که انگار بهتر از ما هستند. | 3 |
| Young people do not listen to what I or people my age have to say | افراد جوانتر به نظرات من و همسن و سالهایم گوش نمی دهند. | 4 |
| Young people talk as if they know more than me and people my age | افراد جوانتر با من و همسن و سالهای من طوری صحبت می کنند که انگار بیشتر از ما می دانند. | 5 |
| Young people are uninterested in my comments and those of my age | افراد جوانتر به شنیدن نظرات من و همسن و سالهایم علاقه ای ندارند. | 6 |
| Optimism Toward Aging | خوشبینی به سالمندی | |

| | | |
|---|--|---|
| I frequently express the fact that I am optimistic about aging | اغلب ، این حقیقتی که به سالمندی خوشبین هستم را بیان می‌کنم. | 1 |
| I frequently refer to the joys and rewards of being older | اغلب ، به لذات و مزایای سالمندی اشاره می‌کنم. | 2 |
| I often talk positively about the plans I have for when I'm older | اغلب با دید مثبتی در مورد برنامه هایی که برای زمان پیرتر شدنم دارم، صحبت می‌کنم. | 3 |
| I often mention things I look forward to about being older | اغلب به چیزهایی که با پیرتر شدنم منتظر آنها هستم، اشاره می‌کنم. | 4 |
| I often refer to things that are positive about being older | اغلب به جنبه های مثبت پیری اشاره می‌کنم. | 5 |
| I challenge ageism or age-based stereotypes that I encounter | وقتی با رفتارهای تبعیض آمیز و تصورات نادرست درباره سالمندی مواجه میشوم، با آنها مخالفت می‌کنم. | 6 |